



## در سنامه‌ی درس: شانزدهم



وقتی بوعلی، کودک بود

### معنی لغات

شکرانه: مبارکی	بهبودی: تندرستی	تازه از بستر بیماری برخاسته بود: تازه خوب شده بود و بهبود یافته بود
سپیده دم: سحرگاه	نذر کرده ایم: کاری که در راه خدا انجام شود	رحمت: لطف و مهربانی
واگذار کن: بسپّر	سیما: چهره، صورت	سر در کتاب دارد: کنایه از سرگرم خواندن کتاب
پارسی: فارسی	فرصت: مهلت، زمان	نادیده بگیرم: منصرف شوم، در نظر نگیرم
دل خوشی: شادمانی، خوشحالی	اشک شوق: گریه از سر شادی	فراگرفت: آموخت، یادگرفت
حیرت آور: شگفت آور	جهش: حرکت ناگهانی	دلبستگی بی اندازه: علاقه، محبت
سفارش: توصیه	بی رنگ: رنگ پریده	حقیقت: واقعیت
برقی: نور امید و شادی	دست بردار نبود: اصرار و پافشاری می کرد	حیرت زده: سرگشته، شگفت زده
کنجکاو: جست و جو گر	روی گشاده: چهره ی خندان و شاداب	دانش بیندوزم: علم و دانش کسب کنم
تامل: اندیشه، فکر	آسوده خاطر: آسوده دل	نامدار: مشهور، معروف
چشم به دهان او دوخته بود: کنایه از به دهان او خیره شد	رویداد: حادثه، اتفاق	ماهری: زبردستی
شب و روز نمی شناخت: کنایه از تمام وقت	دم به دم: پی در پی	ماجراها: داستان ها
تاب و توان: تحمل	به ستوه آمده ام: خسته شده ام	پشتکار: استقامت

### واژه های املائی

برخاسته بود- به خاطر بهبودی- شکرانه- رحمت بزرگ الهی- نذر- پاسخ- عبدالله- واگذار کن- فرصت- خواندن- معنی- شوق- دیدگان- سه ماهه- ناگهانی- دلبستگی بی اندازه- آسوده خاطر- ماهر- نقل می کرد- هیجان- ماجراها- بهبود- لطف- سپاس گزاریم- حفظ

پاسخ: جواب	سپیده دم: شبانگاه	نیازمندان: بی نیازان	شکر: ناسپاسی	برخاسته بود: نشسته بود	بیماری: سلامتی
شب: روز	نامدار: گمنام	ناتوان: توانا	بمانی: بروی	دور: نزدیک	نخستین: آخرین

کلمات هم خانواده

شکر: شاکر، تشکر	خواندن: خواننده، خوانا	جهش: جهیدن، جهنده	حقیقت: حقایق، محقق
طیب: طبابت، مطب	دانش: دانا، دانسته	آسوده: آسودن، آسایش	کوشش: کوشا، کوشنده
نقل: ناقل، منتقل	حفظ: حافظ، محافظ	ناتوان: توانا، نتوانستن	نخستین: نخست

دانش زبانی (خوب دیدن)

یکی دیگر از راه‌های دانش اندوزی، خوب دیدن است. گام بسیار مهمی برای آشنا شدن با پدیده‌ها و رسیدن به دانایی است.

- کلید نوشتن، دقیق دیدن است. باید به اطراف، حساس باشیم و از کنار چیزها به سادگی نگذریم.
- دیدن با خوب دیدن فرق می‌کند دیدن، یک مفهوم کلی است و می‌توان، همه چیز را در یک لحظه دید، اما خوب دیدن، به طور دقیق و با اندیشه‌ی درونی، نگاه کردن و مطالب جدید و عمیق به وجود

آوردن و نوشتن

- مَثَلِ ( شنیدن کی بُود مانند دیدن؟) بر دقیق دیدن و اهمیت آن، تاکید دارد.